

مهندس ناصر انصاری رئیس اداره کل برق مناقصه وسائل شبکه برق شهر تهران

برای توسعه شبکه شهر تهران، لوازم مورد احتیاج آن در تاریخ ۱۵-۲۵ به ناممه گذارده شد و با اینکه مدت مناقصه دویست و هشتاد و یک روز بود...

مناقصه وسائل شبکه برق شهر تهران، برای توسعه شبکه شهر تهران، لوازم مورد احتیاج آن در تاریخ ۱۵-۲۵ به ناممه گذارده شد...

صد میلیون نیست

در روز دوشنبه مقاله ای که درباره طلب دولت ایران بابت تطایف کرباه حلوظ راه آهن از مطبق نوشته بودیم اشتباهی روی داده است...

حوزه های فرهنگی تهران فعالیت خود را آغاز کرده اند

مالکین دهات و روستاها هم باید کمک کنند، بطوریکه اطلاع حاصل کرده ایم والدین جوانان که انتظارند...

سیاست جهان

روزنامه مسکو از موافقت سری عهدنامه انگلستان و فرانسه و کانادا و آمریکا گفتگو میکند...

روزنامه تا بزم عقیده دارد که در اجرای مواد قرارداد انگلستان و فرانسه بین این دو کشور، سوء قیاههائی بروز خواهد کرد

شیرنگار خبرگزاری فرانسه در لندن وراج قرارداد انگلستان و فرانسه و انعکاس آن در پایتخت انگلستان چنین می نویسد...

مطلب دیگر که در مقاله سابق خود بدان اشاره کرده بودیم و اکنون یاد دیگر یادآوری نموده و انتظار داریم اولیای وزارت فرهنگ مودتوجه قرارداد این است که همین کار که اکنون در تهران شروع شده در شهرستانها هم آغاز گردد و بتدریج در مراکز استانها و شهرستانها شروع نموده و تا تصبات و دهات توسعه دهند...

تکمه دیگری که باز قابل بحث و دقت است یک آگهی است که در این چند روز از طرف اداره آموزش و پرورش اجباری خطاب به معلمان و مالکین و مردم قرا و دهستان ها منتشر شده و در این آگهی گویند...

اعلان

چون در اجنبی هنای فرهنگم بسیاری از معتمدین محل از موضوع برنامه و اینکه آیا تعلیمات دینی در چهار ساله ابتدائی اجباری مورد نظر وزارت فرهنگ است یا خیر بیخبر میگردند...

مسکو برای پذیرائی وزیران خارجه امانه میشوند

برین وارد برلین شد - روز مارشال امش را در پاریس میگذرانند - ویدو امروز عصر در برلین خواهد بود

انگلستان و فرانسه و هلند صلاح جنگی خود را متحدالشکل مینمایند

بلژیک نیز وارد حلقه اتحاد فرانسه و انگلستان میشود - ترکیه از تحلیله یونان از نیروهای انگلیسی نگرانست - درین اعضای کمیته بررسی متفقین در امور یونان اختلافی حاصل شده است - پارلمان یونان طرح مربوط بتاسیس مجلس مؤسسان را رد کرد...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

کفرانسی سترالی

رادیو بیروت - از مسکو خبر میرسد که دولت شوروی بیدنامه اتحادیه که برروز بین فرانسه و انگلستان امضا شده با نظر خوبی نیتیکرد و آنرا جولی از سلسله بیدنامه های میدانه که بظهور تشکیل پیمان اتحادیه در غرب اروپا منتهی می گردد تا در مقابل شوروی اشتباهی نماید...

واقعۀ این داستان، ممکن است در هر گوشه ای که دختر و پسر در همسایگی همدیگر زندگی کنند، رخ دهد

ماضی شب چهارده روی درختان نارونی می تابد از لابلای شاخهای درختان شجاع گم نوری روی نهر آب افتاده بود

اول صبح که زانهای مجید خود را دروغ میبوید و کت کربوهوار سفید را میپوشد و سر آن کوچه تنگ بن بست میایستد کمتر کسی بود که از آنجا بگذرد و نگاهی به بندوبلای او نیندازد. او یک طر ایوان زاده این شهر بود، تحصیل کرده و با کمال سوداگر و اهل هنر و صنعت نبودیدش یک آهنگر بود که از اول آفتاب تا ساعت ۶ شب در بازار آهنگران - آن میگذشت تا بتواند لقمه نانی برای اهل و عیالش تهیه کند.

فرهاد که پیش پدرش آهنگری میکرد و در مقابل کسب و کاری دیگر میرفت، روزی دوسه ساعت سر کوچه پاس میداد، چنده ساعت در خیابانها در پیرو بود، در حدود ده دوازده ساعت میخواند و ماضی اوقات را با رفتن خود صرف قمار بازی میکرد. در بروی آن کوچه بن بست که باسگاه فرهاد بود، در یک خانه نشسته نواز باز میشد و در آن خانه یک طر از کارمندان دولت با خانواده خود منزل داشت، او تازه آن خانه را خریده بود، همسایگان خود را اینستاخت و از آهنگر و آهنگرزاده هم میخبر بود؛ او فقط از یک چیز متعجب داشت و آن این بود که چگونه صاحب خانه قبلی خانه ای را که چهل هزار تومان ارزش داشته در مقابل بیست هزار تومان با او واگذار کرده است؛ صاحب خانه قبلی چند روزی کرده است؛ صاحب خانه قبلی مردی آرومند و مضاط بوده و چون مشاهده کرده که در بروی خانه اش باسگاه خطرناکی دایر شده و ممکن است در آینده دچار زحمت و مالمالاتی بشود، خارها به نصف قیمت فروخته و از آن محل گریخته است.

خریدار جدید که خانه ارذالی خریده و از طرف هم تاندازه ای فرسکی مآب و متعجب بود و معلوم شد که خانه قبلی را حاصل بر سه ساعت میگرد و پیش خود میگفت: «حقیقتاً مرد بی شعوری بوده است! خدا میخواست که پس از سالها اجاره نشینی و آوارگی مرا صاحب خانه بکنم...»

بر حسب ظاهر حق بجانب بوده و فرهاد که شرافتمند و باوقار و با کسب بود؛ او با سر و سینه و تنگ خود سر کوچه میایستاد و نه کسی را مجبور میکرد که با او صحبت کند و نه مثل دیگران جرئت و برند میبرد میگفت.

آقای صاحب خانه هر روز صبح بادهای میرفت و دوساعت بعد از ظهر که بر میگشت تاهاز میخورد و تا اول غروب پشت منقل و افوق می نشست و یا دنیای خارج از خانه کاری نداشت.

او فقط دارای دو دختر بود یکی بنام «مترم» و دیگری بنام «فرخنده» که هر دو مدرسه میرفتند. «مترم» هجده سال تمام داشت و بعد از دوماه مدرسه او تمام میشد. «فرخنده» شانزده ساله بود و دوسال بگری بایستی مدرسه بروی تادوده تحصیل می کرد و بیایان برسد.

هر روز ساعت پنج بعد از ظهر مترم و فرخنده از مدرسه بر میگشتند و همیشه نزدیک خانه میرسیدند، نسبت چشمان بدو نالی «فرهاد» میبافتند و از آن پس که وارد خانه میشدند پدر خود را پشت منقل میدیدند؛ دود تریاک در فضای خانه پیچیده بود لیکن کوچک و بزرگ خانه با آن دود آس نرفته بودند و از بوی دود تریاک آزار نمیگرفتند.

از جلو کوچه بن بست که باسگاه فرهاد بود جوی کوچکی آب میگذشت و در حاشیه جوی آب چند درخت چنار سایه میافکنند و در برفتن قطعه مصفا میصوب میشد؛ فرهاد صحرای زیر آن درخت ها میایستاد و گاهی هم یکسوی دود نر از رفتن قمار بازی در آنجا آمده نامدتی مشغول صحبت میشد.

مترم و فرخنده از فروردین باقی مانده بود پسری شد و اردیبهشت رسید و امتحانات مدارس شروع شد و پس از ده پانزده روز مترم و فرخنده از امتحانات خلاصی یافته یا تعطیل مدارس روبرو شدند.



در خانه میایستد و با فرهاد صحبت میکند. لیکن این عمل در نظر آنان بسیار ساده و خالی از غرض نظر میرسد، آنها بر حسب آداب و رسوم قدم بر سر پا زده سالکی زناشویی کرده بودند و اصلاً فیهل استغنه که یک جوان هجده ساله بیست ساله مجرد سا چه احساسات و تشنگیات روحی دست بگریبان میشود.

ایام تعطیل پایان رسیده و مدرسه ها باز شدند. «فرخنده» کتابها را زیرش گذارد و روانه مدرسه شد. پیش از دو سه هفته از مدرسه رفتن او نذقتت و در خواستکاری سراغ او آمد. او برخلاف عقیده پدر و مادر و خواهر و برادرش از مقابله «زهرایکم» مادر بزرگش بیروی میگرد؛ او هم عقیده داشت که وقتی دختر به سن ازدواج رسید بایستی شوهر کند و در برابر ازدواج مدرسه و تمدنی و دنیای و چیزهای دیگر حرف مفت است. پدر و مادرش هر چه اسرار کردند که صبر کنند و مدرسه را بیایان رسانند او قبول نکرد و در جواب آنها گفت: «بهترین مدرسه زن خانه شوهر او است»

«فرخنده» مدرسه را رها کرد و کتابها را بدو انداخت و خانه شوهر رفت. محترم در خانه ماند و مشغول ورق زدن و مانها شد و هر زمان که خسته میشد لای درختان را پلزمیکرد و با فرهاد مشغول صحبت میشد. موقتی رسید که دیگر عصر ها فرهاد سر کوچه دیده نمیشد؛ او همیشه یک ساعت غروب مانده با سرور مرتب از کوچه خارج میشد و ساعت ۶ ده شب طرف منزل خود بر میگشت بیشتر روزها، محترم هم اوایل غروب از خانه خارج میگشت و زودتر از ساعت ۴ مراجعت نمیکرد؛ پدر و مادرش که از او می پرسیدند: «چرا رفته بودی؟ جواب میدادند: «مثل فرخنده - سینا، منزل یکی از هم شاگردها رفته بودم» همین جواب برای قانع کردن یک پدر و مادر لایق و لایبالی کافی بود.

کم کم، بعد از مدتی، در میان مردم آن کوچه شایع شد که محترم و فرهاد خواهان یکدیگر هستند و در آینده نزدیک باهم زناشویی خواهند کرد. این شایع بگوش پدر و مادر محرم رسید و آنها هم چنان دست از خوسردی همیشگی خود برداشتند. متافقه هر قدر بیخ کوشی ها و پت پت های زنانه زیادتر میشد اثری از زناشویی و رسمیت یافتن آن روابط مشاهده نمیکردند. پدر و برادرهای دیگری بر شایعات افزوده شد و نهایی کارشناس چنین اظهار عقیده کردند که اگر در همین چند روزه روابط محترم و فرهاد صورت قانونی بشود تکمیل کار به رسوایی میشود.

هنگامیکه محترم در خانه از فرزند بیکار و قنار باز خود دل پری داشت معذک حاضر نمود پیش از این او را و لنگر و موبیل بیاید. دختر یکی از همکاران خود را برای سرش ناهرد کرد و از آن روز پس از هر حمله و نیرنگی بود او را نزد خود برد و بکار واداشت. دیگر رفت و آمد او با محترم قطع شد.

پیش از یکی دو هفته نگذشت که مجلس عقد فرهاد برپا شد. آن شب در آن کوچه بن بست «زین فرستی» دایر بود. صبح همان شب اتومبیل سیاه نش کش جلوهان کوچه برای بردن بنمازه «محترم» توقف کرد. محترم که از زناشویی نا امید و خرد را در معرض رسوایی میدید خود کفر کرده بود.

چه کند؟ تنهایی از بگرفتار، تعطیل آنهم تعطیلی همیشگی، از طرف دیگر و بالاخره مقتضیات سن و افکار و خیالات جوانی سر برارمه، در کتابهای روانی که در آن چند روز خوانده بود داستان های جذابی بوده است «ماهرخ» و «شاهرخ» راستی انسان را تهییج میکرد.

مخصوصاً آنجا که میگوید: «ماضی شب چهارده روی درختان نارون میتابید. از لابلای شاخهای درختان شجاع گم نوری روی نهر آب افتاده بود» و کتابهای روانی که در آن چند روز خوانده بود داستان های جذابی بوده است «ماهرخ» و «شاهرخ» راستی انسان را تهییج میکرد.

من خورم در دوازده سالگی شوهر کردم، شوهرم یکسفر نقاش بود، خدا خیلی از پدر شما که انارمی رود و تریاک میکشد بهتر و خوش گذرانتر بود، مگر آقای شما که پشاه تمام اداره میروید و آخر ماه دوست تومان میگرد چه نضر و میبانهی دارد، آقای شما که سهل است، وزیر آقای شما بیست و چهار است، آیا در ماه حقوق او بقدر ذیل بکنگر برتقال فروش شود؛ توحودت، محترم، چه میگور؟ برای گرفتن یک تیکه کاغذ بقول شما «دیلوم»، نه نباید انقدر نیس واد کرد، اگر پاشی و یک «دیلوم» یعنی آنوقت میفهمم که درس خوانده ای!

محترم - مگر من رفتیم درس «کلتفی» بخوانم که «دیلوم» بجزم! مادر بزرگ - بد ختی شما دخترهای درس خوانده و «دزان قتیله» در همینجا است، زنی که کار خانه بلد نباشد یک نماز ارزش ندارد. محترم در نظر فریکی دو هفته که محترم روزی یکی دو بار جلو

زندان... کیت اسان اقی جانی... شماره ۴۵۵ قصر

حیانت با خون شسته میشود

پس از نوشیدن هرق دست حسینخان را لرفته و باهم دو باغچه مشغول قدم زدن شدیم.

به حسینخان گفتم: هیچ فرصتی موقتی بهتر از این نباشد من همین جا او را خواهم کشت. حسینخان که دید من باز دو فکر نابود کردن ملوسم باردیگر سخنان صبیحی خود را از سر گرفت و گفت حالا که ملوس را نینخواهی او را طلاق بده.

لدم، او را نینخواهم و از او کمال تنفر را هم دارم ولی همچنین نینخواهم که او را در آغوش مرد دیگری هم ببینم و چاره ای هم جز لقتن او ندارم. حسینخان هر قدر سعی کرد که من عاقبت ابتکار او در نظر گرفته و از این قصد خود صرف نظر کنم نشد، زیرا در آن موقع جز فکر انتقام و کشتن ملوس هیچ اندیشه ای در خاطر من نبود.

فقط فکر میکردم که ناکشتن ملوس ممکن است آرامش خاطر خود را که نگلی از دست داده بودم بار دیگر بدست آورم غافل از اینکه سر نوشت مرا بجای رهنبری کرده بود که برای همیشه از آرامش و زندگی محروم باشم.

چون حسینخان دید که هیچ ترتیب نمیتواند مرا از خیال خود بدارد ناچار نام موافقت کرد و گفت بر این کار را وقت دیگری مو لول کن تا سکمه هم او را طوری ازین ببرم که نه بر گوی از او نا می نماند. ناچار تسلیم نظر حسینخان شدم و او بل شب بود که با ملوس از حسین خان خدا حفظت کرده از باغچه او بیرون آمدم.

ملوس چون از افکار درونی من اطلاع نداشت و همین قدر ظاهر ام مرا میدید تا حدی خرسند بود و شاید پیش خودش فکر میکرد که من واقعه خانه زار را میدر فراموش کرده ام. آشب را هم خانه ملوس رفتیم و منوس هم هر قدر می توانست چرب زبانی میکرد و کوشش داشت که مرا ناخوار نماید ولی من همچنان سالت و سرگرم افکار دردم برهم خود بودم.

فردای آنروز به ملوس نفسم حودت را حاضر کن که برای گردش بهارج تهران برویم. رسیدم که جواب دادم: هر جا پیش آمد بالاخره بکجایی خواهیم رفت و خود برای خرید نار از میدان برای دکن از خانه بیرون رفتیم. پس از آنکه کار خود را انجام دادم به منزلی که در آنجا ملوس منظر من بود زان کشتن و او را در دانه و با هم طرف ایستگاه فرح زاد رفتیم. در بین راه ملوس برای من خوابی را که شب قبل دیده بود، حکایت کرد و گفت: «دیشب در خواب دیدم که یک لنگه کفش خود را گم کرده ام و هر چه جستجو کردم آنرا پیدا نکردم» گفتیم: خیر است حتماً امروز و فردا یک چیز قیدی پیدا خواهی کرد!!

سوار اتوبوس فرح زاد شدیم در طول راه دیگری را گفتگویی شد تا به نزاد رسیدیم. از صبح تا شام در ناغات و کنار رودخانه زیبای فرح زاد مشغول تفریح بودیم در تمام لحظات من پوسته در جستجوی مکاتی بودم که منظور خود را عمل مایم و در پاسخ برش های ملوس که میگفت چرا پس یک دوشه ای نمی شنیم با آرای میگفتم نسبت از تماشا این مناظر فرحشتر منظر کنیم در حالی که من دروغ میگفتم و در آن هنگام که از منظره چیزی میفهمیدم و از تماشا رودخانه و باغ لذتی می بردم و در خاطر من جز فکر انتقام هیچ فکر دیگری نبود. عاقبت چون خسته شدیم در گوشه ای نشستم ولی باهم من ناواحت بودم و پوسته چپ و راست تکران بودم تا جای خوبی پیدا کنم در این موقع ملوس گفت حالا که تا فرح زاد آمده ایم خوب است با ما مواه داده برویم، گفتن چون بقصد زیارت نیامده ایم بقصد من بهتر است گردش- کتان از فرح زاد طرف نجربش برویم. رای ملوس اینطور استدلال میکردم ولی پیش خود فکر می کردم در بین راه فرح زاد - نجربش جای مناسب رای کشتن ملوس فراوان است و من می توانم در گوشه ای از بیابان یا دره و کوه طوری او را سر به نیست کنم نه اتاری از وی نا می ماند چون این فکر در من قوت گرفت هر طور بود ماوس را که از گردش آنروز خسته بود راضی کردم. رویدک غروب بود که از فرح زاد بطرف نجربش حرکت کردیم و من هند را راه را نداشتیم و بعنوان اینکه از میان من برویم نزدیک تر است وارد یکی از کوره راههای بین نجربش و فرح زاد شدیم.

SIEGFRIED
«Siegfried»
Zofingen - Suisse
(مهمترین کارخانجات داروسازی سوئیس)
نماینده انحصاری در تمام ایران (ساقو)
تهران ناصر خسرو سرای روشن
۱۳۳۶-۱۳۳۷

بقیه گزارشهای مهم دنیا از صفحه دوم

دولستان

رادبو غور نزدیک - دادگاه عالی فلسطین در جلسه دیروز خودتقاضای و لایحه علیه بیودرا در راه دمشق حکومت فلسطین در دو گری از رود مهاجرین گرفتاری ۴ ده سطل به عدالتها بالغ بر (۱۳۰۰) فریبند و در برد. دادگاه در قرار خود تصریح نموده که کیسی عالی فلسطین از لحاظ مطمانیت در کشور فلسطین نداشته از رود مهاجرین نبود غیر قانونی فلسطین جاو لیری نماید.

رادبو بیروت - بریشت ترور است های بود فلسطین از نو مردواها اعلا به ها چنانچه در آنها نوشته اند که ما ترور نیست ها شند خود بر طینه انگلستان ادامه خواهد داد حکومت نظامی هم اعتدالی ندارد.

در روزنامه داد غیر از ترور است های صلاح مدیر یکی از سنه ماهیسه نموده (۲۰) لیره اوراد زدند. نامداد دیروز در بیت المقدس صدای تقیاری نوی شده شد سیس آذرب داده شد.

در شرح ندر حقا نیریک من از طرف ترور است منفجر کردید که قسمی از نوی بودی ما را خراب کرد در پارس کلبه هیبری شوروی امنیت مله نق مادهای کاشته و تقاضا کرده که هر چه زودتر در امور فلسطین مداخله کند از فشار بر یهودیها جلوگیری نماید.

بین فرانسه و تونس

رادبو غور نزدیک - کدس عالی جدید فرانسه در تونس دیروز وارد تونس شد و در ملاقات خود با بای تونس اظهار اسدواری نمود که تونس در راه راهبیت ملت خود پیشرفت کند.

بای تونس در پاسخ مشارالیه اشاره به خدمات تونس تلفیق و مخصوصا فرانسه در زمان جنگ کرد و گفت تونس جزا دارد اکنون به عنوان حقه ملت خود فالر شود.

وزیر امور خارج تونس رئیس شورای جمهوری فرانسه و خیم است پاریس پاریس - رادبو پاریس خبر میدهد مسو شامیتیه د ریبریس شورای جمهوری سنخ مرش است بطوریکه در شب حالت مزاجیت تولید فکری می نمود.

از ۱۴ کیلومتر

پاراشوت اولین مایل رادبو قاهره - یک هوا نورد شوروی توست و سبله پاراشوت از ارتفاع ۱۳ کیلومتر سالم زمین فرود آید

اعطای نشان به دریاسالار دارژا لوی و تعیین کمیسر عالی فرانسه در هندوچین پاریس پاریس - رادبو پاریس خبر میدهد هیئت وزران با حضور مسو سان اوربول رئیس جمهوری فرانسه جلسه تشکیل داده اجم نامور هندوچین شور نمود و در نتیجه یک ابلاغ رسمی باین مضمون منشر گردید که چون سوچ قانون اساسی دولت فرانسه حافظ امنیت ملل جوه اتحادیه فرانسه میباشد باید از حقوق انلیت ها دفاع نماید لذا مضمون است که ادامه حضور فرانسه را در هندوچین تامین نماید و چون رای حل مسئله وجود یکنفر از اعضاء پارلمان مناسبت نظر میرسد لذا جهت بدو دریاسالار دارژا لوی کیسی عالی هندوچین تقدیر از خدماتی که انجام داده است از سمت مذکور مناصب ویدی وی سویا عمل تعیین میشود هیئت دولت بنا به پیشنهاد نخست وزیر دریاسالار دارژا لوی را با عهده مدال نظامی منفر ساخته است.

مذاکرات در اطراف راه آهن حجاز

رادبو حجاز نزدیک - از دمشق شیر مرسد له شیخ یوسف باین منشار مساس این لسمود در روز تصریح نمود که لاندنای درل سوریه - فلسطی ماوراء اردن و حجاز در ۱۵ مده آردنل آینده در قاهره جلسه ای تشکیل خواهند داد و درباره استفاده از راه آهن حجاز و اصلاحات آن مذاکراتی بعمل خواهند آورد.

هیچ دولتی، حتی آمریکا نیز قادر نیست

تنهایی از خود دفاع کند

واشنگتن - در جلسه فوق العاده کت مری حرب جمهور بخواه امریکا که برای استماع خطابه نور وادیرک شده بود این سرد سیاسی چنین گفت: من پیشنهاد میکنم حزب ما از مبارزه برای فیروزی در انتقار ریسی جمهور چشم پوشد و تمام قوای خود را برای حل مشکلات متعدد و خطرناکی بکاربرد.

تلفن اداره کل تصفیه امور ورشکستگی شماره بالا تبدیل شده دفتر اداره کل تصفیه امور ورشکستگی

۱۳۴۰۷-۲

پند و اندرز

بزرگ کوهی گرانهاست چون مانع دخول بیاری در خواهد داشت پس اگر محتاج بالدر هدایت میباشد به اثر زبان پور مراجعه نماید.

۱۳۵۵۷-۲ شانی، امیریه خیابان احتضام اللطنه

متر و فنری و مؤثر ترین داروی ویژه ضعف قوه باء سرعت انزال

پوهمین لامفران

گیاه شناس معروف فرانسوی (سیدل) ماده عامله گیاه پوهمین که در قرون گذشته برای رفع ضعف قوه باء و سرعت انزال ریشه آن را جوید و مصرف میکردند بنام پوهمین بیکانه داروی مفید بسیاری ضعف قوه باء و سرعت انزال دنیا شناسانده است.

اگر دچار ضعف قوه باء و سرعت انزال شده شای از قریب پوهمین لامفران که در قرون اخیر کارخانه های داروسازی فرانسه تهیه شده اند تهیه مطلق میباشد. پوهمین لامفران دارای شیشه فکلی و بلا تردید است محل فریبش داروخانه های طور - غلایه خیابان لاله زار داروخانه لهن - خیابان ناصر خسرو

۱۳۴۳۷-۲

انواع و اقسام مرباجات و شیرین جات

مربا و طاب ریاست جمهوری بنام ونسوا هم از طرف حزب نامور نامم ولی اسام با نیکو بیسی و جامه باشد که از نامزد شدن برای ریاست جمهور بر خود نیاله.

باید متوجه باشیم که حد از این هیچ دولتی هر قدر هم مقتدر باشد نتواند توست تنهایی از خود دفاع کند. مقتدر ترین دولتها برای حفظ خود باز متنه همکاری و مساعدت دول دیگر است.

ماباید از اجلا درصد جلو گیری از تنهجم فردا باشیم.

مانوبت خود در ایجاد مجمع ملل متفق سعی کرده ایم و ما حفظ مصالح فرزندان خود بایستی مجمع ملل را تمام قوا و افتخار پاک معجز سازیم.

من با شده این مومسه به بین و تومید نسیم ولی میدام که این سازمان نیار متنه تقویت و بهبودی باشد.

تاوتتی که این سازمان قادر بر انجام وظایف خود باشد محال است در دنیا چنگ صورت بگیرد جز ما متفق است آن روزی که دولتها عهد کنند بیروی اتم را در چنگ استمل نشانیه امریکا بایه ابرار استی را فاش سازد.

اثر دول دنیا عموما و روسیه شوروی خصوصاً حاضر شوند هر دولت مهاجمی را محض شروع حمله و هجوم سر لومی نایته ما می توانم اسرار اتمی را فاش کنیم این بیکانه قیمتی است که امریکا در مقابل اسرار اتمی مطله میکند قیمت لفظی و ذبانی برای ما ارزش ندارد.

مصرف ای-میدرا از مغازه نیویورک که بناز گسی وارد نموده در ظروف و ستهای متنک سه بندی شده تهیه فرماید. قیمت بسیار مناسب است.

هیچنین شکلاتهای (m.m) و mignon (مینیون) که معروفیت جهانی دارد از این مغازه تهیه فرماید. از مشتریان محترم تقاضا میشود مارک های دنوم شکلات موصوف را دقت فرموده از خرید شیه آن خود داری نماند.

مغازه نیویورک لاله زار نو تلفن ۸۴۷۲

آگهی

کاروانشترالی که متعلق به آقای اسفر حریری که جدیداً ساختمان شده و دارای چندین باب حجرات متعدد میباشد همین ترتیب ابار های قابل استفاده که تا شون نظیر ساختمان او در بازار میباشد با چاره داده میشود طالبین به بازار بیاس آباد سرای حریری مراجعه فرمایند.

۱۳۵۵۴-۲

تشکر از ریاست محترم اداره برق

حسن مراقبت جناب آقای مهندس اسفندیاری نسبت رفقه توأمی و شتاب جنوب شهر که منفر متوالا ا لحاظ فری خاموشی و دمه جدیت منظم له مخصوصاً تامدتی بعدا بنه ش باعث رفقه اشکالات خاصه گردیده موجب نهایت تشکر و قدردانی بوده و هیئت محلی چامیدان نام اهالی جنوب با ارازل قدر دانی اسدواری است از این حسن مراقبت و قدالت سابر نسبت های جنوب شهر هم مستفید گردیده موجب امتنان عمومی فرماید گردد.

۱۳۴۶۲-۲ هیئت محلی چامیدان

آگهی تقسیم سود سهام

بواسطه توقیق وصول مطالبات شرکت سهامی روشانی تقسیم سود صاحبان سهام تأمیر گردید اینک چون قسمتی از مطالبات شرکت از شهر دوی وصول گردیده اطلاع صاحبان سهام میرساند که برای اخذ سود سال ۱۳۲۴ از تاریخ ۱۲ اسفند هجری شرت مراجعه و طبق صوب مجرم همگانی موخه دود آبان ۱۳۲۵ سود سه سهام را مطابق مقررات اسنامه دریافت فرمایند.

شرکت سهامی روشانی گرمانشاه محدود

۱۳۴۵۸-۲

آگهی مجمع همگانی هادی بطور فوق العاده

اطلاع عموم سهامداران شرکت سهامی روشانی گرمانشاه میرساند مجمع همگانی هادی بطور فوق العاده در تاریخ شنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۲۶ ساعت سه بعد از ظهر در ساختمان جدید شرکت واقع در خیابان فردوسی تشکیل میشود عیث مد ره بد نویسه از صاحبان سهام دعوت می نماید که در موقع مقرر حضور بهم رسانند.

صاحبان سهامی که لا اقل دو هزار ریال از سهام شرکت را اصانا یا واکالتا دارا باشند ترانده از تاریخ ششم الی دهم فروردین بدقت شرکت مراجعه نموده طبق اسنامه ۳۹۰ اصلاحیه ذریه رودیه را برای حضور در جمع (شرکت در مذاکرات و اخذ تصمصات) دریافت فرمایند.

دستور مجمع

۱- انتخاب دو نفر کارمند اصلی و دو نفر کارمند علی ایله هیئت مدیره

شرکت سهامی روشانی گرمانشاه - محدود

۱۳۴۵۷-۲

تقریر

انتخاب جناب آقای حسن روشانی مدیر محترم روزنامه نارویا را تشایته کی دوره بانزدهم مجلس شورای ملی عموم اهالی محترم لامیجان تبریک و توفیق و موفقیت ایشان را در انجام خدمات ملیش از پیش خود ه تم.

۱۳۴۵۱-۲ نصر الله فیروزیان

معالجه ساک کرده روز

د کفر فاجه لیان - یوسف آباد چهار راه عزیز خان صرها

۱۳۴۶۹-۲

یک فرماندهان

تلفن ۱۳۴۲۰-۲

سیاسگذاری

پس از قبول روز هراتر بسیاری کید و کلتن و داشتن جمل درجه اب که مواجه نامرک بود - در اثر مراقبت و دقت بیکانه د کتر ماهله (جناب آقای دکتر سید حمزه شمر بخش) طلا بهودی حاصل شده بدین سبب از حضرت ایشان نهایت تشکر و سپاسگذاری را مینامیم

عماد الذاکرن

۱۳۴۶۶-۲

برنده مسابقه فیلیپس رادیو

نظریه ششمین متصصین قری ما برنده مسابقه فیلیپس رادیو آقای احمد مصدقی میباشد.

مفتش است برای دریافت دستک ۲۰۹ فیلیپس بدقت شرکت سهامی نور خیابان لاله زار مراجعه نماید.

۱۳۴۵۳-۲

آگهی ختم ورشکستگی

طبق دستور ماده ۴۹ از قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی اعلام میدارد که امر ورشکستگی آقای ماسملانی خانه پانته است.

اداره تصفیه امور ورشکستگی تهران

۱۳۴۵۶-۲

امشب در تماشاخانه فرهنگ نمایش کمدی اخلاقی انتقادی اجتماعی منشی سدهج

قلم پرویز خطیبی

با اشتراک بانوان برخیده - بروش

آقایان فکری - سارک - رخسانی و هادی از هنرمندان تماشاخانه فرهنگ

جمه در ۲ ساعت

۱۳۴۸۳-۲

مژده بیانوان برای تهیه لباس هید

صد ها رقم لباس های زنانه دوخت خارجه مدل ۱۹۴۷ وارد شد

مغاز لاپیرایش

۱۳۶۶۰-۲

تقدیر صاهات مطب

دکتر محمد لقمان ادم متصصین بسیاری اطفال و جوانین سابق ریاست بخش بیمارستان کودکان لوی (سوسن) صرها از ۷ تا ۳ صبحها فقط با تعیین وقت پذیرائی مناسب تلفن ۷۸۹۴ منزل ۶۷۰ بیمارستان ۷۴۰۵

۱۳۴۸۱-۲

تقدیر و تشکر

چون تشویق کارمندان صحیح العمل و جدی از وظایف عموم میباشد لذا بدینوسیله از آقای رضانفاذ رئیس دفتر کل کارگزینی وزارت داوایی که در انجام حواج مردم ساعی و دلسو و با ارباب رجوع با کمال خوشرویی و مهربانی رفتار می کنند تقدیر و تشکر می نمایم

از طرف هادی از کارمندان بیاس اسناداری قسمت بخش دارایی استان هفتم

ذو المجد

۱۳۴۶۴-۲

آگهی

بطوری که شایه است عهده از کدیکه برواه رود و صدر روز این وزارت گرفته اند جای آنکه جنس خود را وارد و یا صادر نمایند پروانه ها را مورد معامله قرارداد و باین ترتیب خلا پروانه ها بوقه اجرا گذارده می شود از اینرو لازم میباشد اطلاع سایر متدیان برساند که مدت اعتبار پروانه های قبل و سال جاری از طرف این وزارت صادر شده است حدا کثر تا آخر فروردین ۱۳۲۶ خواهد ود چنانچه بعد از تاریخ نامبرده پروانه ای در دست اشخاصی باشد از اعتبار ساقط خواهد بود.

وزیر نازرسانی و پسته و هنر

۱۳۴۷۸-۲

چاپی و عکاسی کمر و جزل - پرسپولیس

چهار راه مغیر الدوله نزدیک فر کتیه

۱۳۴۷۰-۲

شهر بانی هامبورگ

هزار دانه سیگار پاداش میدهد هامورک - لیانی و گران سیگار بیجا رسیده که شهر بانی هامورک که در جستجوی یک جنایتکار حصر نس میباشد ام کرده است چنانچه محل اخذی آن شخص را نشان دهد هزاره صد سیگار بوی پاداش داده خواهد شد این شخص تا خون یک لودک شش ساله و یک مرد خست ساله و یک دوشزه بیست ساله را نشه و جسدشان را در ویرانه ها انداخته است. تصور میورد این جنایتکار گرفتار مرض صعی و صادیسم باشد.

آگهی

برای اطلاع از شرایط و خصوصیات نشان و مدال های که میور مردم مسکن است بدین ترتیب آن مالا کرده نام شهر مارزا که روز ۱۶ اسفند منشر میشود بوی ۱۰۰ ریال از روزنامه فروشها و دفتر نامه خرداری فرماید.

۱۳۴۴۱-۲

آگهی قرض سندا مالکیت

آقای میدالوهان مسوفری سیمی با ارازی کبرک استنشادیه نامضامجسم مدعی است سندا مالکیت شدناک سه نابخانه و یک چو خان متصل بهم بلاک های ۳۱۶۸ و ۳۵۲۹ و افده درخش بلاکرت که بنام مرحوم محمد مستوف سیمی مورثی در قید زنده و مورثی هیچ گونه نقل و انتقالی واقع نشده است بر اثر ایجاب و ذهاب دعات خارج از شرت منقود شده بنابراین مراقبت برای اطلاع عموم آگهی میشود تا چنانچه هر کس نسبت به بلاکهای مورد آگهی هر گونه مامله کرده باشد که در این آگهی ذکر شده از تاریخ شراولین آگهی (۲۵/۱۲/۲۵) ظرف دو ماه با دار بابت رشت مراجعه و سند خود را ابراز داند - این آگهی دوسه نوت هر بیت روزیکر نه منشر میشود.

وکیس ثبت استان اول امیر شاهی

آگهی نوت اول ۲۵/۱۲/۲۵

۱۳۴۵۹-۲

تقریر اخبار

تقریر اخبار

بانون کتر مریم میرمادی واجه بسفاسی دهان د و سندیکی دندان زشکان ایران (خیابان شاه آباد) با عکاه آذربایجان در ساعت ۷ صبح روز ظهر یکشنبه ۱۸ اسفند منشرانی خواهند ارد از کلبه باوان و آقایان دندان پزشکان خواه معضونه بیکباشند یا نباشند دعوت میشود که در ساعت مقرر حضور هم رسانند. امتدیکای دندان پزشکان ایران

۱۳۴۵۵-۲

اظهارات وزیر مستعمرات انگلستان راجع شوروی قافوقی

رادبو لندن - در جلسه مداز ظهر دیروز مجلس عموم انگلستان ستوالی دربار فرار فوژی قافوقی بلسطین و مصر و نشان از وزیر مستعمرات انگلستان گردید. مشارالیه در جواب گفت فوژی و قویش با نام مسافر بدین صافرت مبادرت کرده و مشارالیه دارای ثاعت لبنان است و نام وی در یک لیست مضمون دولت فلسطین ثبت شده زیرا او جوادو در فلسطین ایجاد خطر میکند.

مشارالیه توانسته است از کنسول مصر در پاریس روادید ورود بصبر وا دریافت دارد.

چنانچه مقامات فلسطین از زوجود او در فلسطین اطلاع حاصل نمیکردند بطور حتم اقداماتی مینمودند.

۱۴ هزار آلمانی محکوم بنادام شدن

بیکرادی پاریس - رادبو پاریس خبر میدهد دادگاه نظامی بیکرادی ۱۲ هزار آلمانی را بچون چاییت - کاران جنگ محکوم به اعدام نمود. یکی از این محکومین ژنرال تورنیز معروف است که در زمان جنگ از طرف آلمانها رئیس آگهی پاریس و سالونیک و بیکرادی بود.

تقریر اطلاعات

شبه ۱۵ اسفند ۱۳۲۵
۱۲ ربیع الثانی ۱۳۶۶
۶ مارس ۱۹۴۷
اذان صبح ۱۱ ساعت ۱۰ دقیقه
طلوع آفتاب ۱۲ ساعت ۵۲ دقیقه
ظهور ۵ ساعت و ۳۴ دقیقه

بهای اشتراک

قران و شه ستانها

سالیه ۶ ماه ۳ ماه
۱۱۰ ۲۱۰ ۴۰۰
۳۶۰ ۶۰۰

بهای آگهی هاسطری ۱۹۰ ریال

جای اداره خیابان خیام
شماره تلفن: تهران اطلاعات
۵۵۷۹-۶۷۷۷-۶۶۲۴

درجه حرارت روز ۱۴ اسفند

صاحب ۷ صبح ۱۳٫۸ درجه بالای صفر
صاحب ۱۳ ۱۸٫۵ ۴ بالای صفر
ساعت ۲۱ ۱۵٫۵ ۴ بالای صفر
عد اقل ۱۲٫۵ ۴ بالای صفر
حدا کثر ۲۱ ۴ بالای صفر

۱۳۴۸۲-۲

